

MAKING A FUTURIST PARTY TIME FOR

<http://www.ghandchi.com/459-ZamaneHezbeAvandehnegar-plus.htm>



زمان ایجاد حزب آینده نگر

سام قندچی

سالهاست درباره نیاز به تأسیس حزب آینده نگر ایران [<http://www.geocities.com/futuristparty>] بحث کرده ام و نه نیازی به تکرار همه بحث ها وجود دارد و نه دیگر بحث بیشتر اهمیتی دارد. واقعیت این است که رهبران فکری جنبش سیاسی ایران دیگر پس از این همه سال بحث کردن با این نظر به اندازه کافی آشنا هستند و یا با آن موافقت و یا که نیستند. واقعاً دیگر هدف من در این نوشته قانع کردن آنهایی نیست که موافق این بحث نیستند، چرا که حتماً آنها راه دیگری را برای موفقیت جنبش سیاسی ایران میبینند و من فقط میتوانم برایشان آرزو کنم که موفق باشند اگر آن راه را هم اکنون پیدا کرده اند. در واقع من اگر حزب و سازمانی امروز در ایران بود که بتوانم از آن دفاع کنم، مطمئناً دنبال ساختن یک حزب جدید نمی‌بودم.

البته ممکن است برخی هم راهی را امروز قبول نداشته باشند و در جستجو باشند ولی برای ساختن حزب آینده نگر نیز قانع نشده باشند، من برای این دسته هم آرزوی موفقیت میکنم ولی دیگر فکر نمیکنم قانع کردن آنها وظیفه اصلی آینده نگر ها در زمان حاضر است. حتی وقتی یک قرن هم از عمر احزاب مختلف گذشته باشد، عده ای شک دارند که موافق با پیوستن یا مخالف پیوستن به آن احزاب باشند و کماکان دوست دارند در این مورد بحث کنند و نه تصمیم به ملحق شدن یا پشتیبانی و آنهم حقیقتاً است.

البته نظریات فکری نیز در زمان های مختلف چه قبل و چه بعد از تأسیس حزب، بخشی از نیروی خود را صرف بحث و اقتناع روشنفکران و مردم میکنند. فقط بنظر من تا آنجا که به ایجاد حزب آینده نگر مزبوط میشود، ادامه گذاشتن همه نیرو برای اقتناع رهبران اندیشه و روشنفکران ایران درست نیست. لازم است که ذکر کنم با وجود ابراز این عقیده، بایستی تأکید کنم که ابدأ منظورم نه تنها پایان دادن به بحث و گفت و شنود نیست بلکه همچنین همواره معتقد به ائتلاف با احزاب دیگر [<http://www.ghandchi.com/309-FuturistCoalitions.htm>] بوده و هستم و ابدأ منظورم در این جا این نیست که همه مردم بایستی به حزب آینده نگر بپیوندند.

چرا فکر میکنم امروز وقت ساختن حزب آینده نگر ایران است. بنظر من حرکت مردم در سطح بین المللی پس از سه دهه رشد سریع جامعه فراصنعتی، بطور روشنی موضوع عدالت اجتماعی را در پیش روی مردم جهان قرار داده است. در این موقعیت در کنار جریانات مقاومت در برابر جامعه فراصنعتی که دو جریان و اپسگرای اسلامگرا و جریانات ناسیونالیست افراطی نمونه های بارز آن در این چند دهه بودند، امروز راه حل‌های قدیمی جامعه صنعتی یعنی لیبرالیسم و سوسیالیسم دوباره سر بلند کرده اند و آنهم برای حل مسائل جهان قرن بیست و یکم. بهترین نمونه اولی را در پشتیبانی وسیع مردم از دموکراتها در انتخابات آمریکا و بهترین نمونه دومی هم در انتخابات بولیوی در آمریکای لاتین بود که درباره اش چند ماه پیش نوشتم [<http://www.ghandchi.com/441-OmidKazeb.htm>].

بنظر من این راه حل های قدیمی که حتی در حل معضلات انسان قرن بیستم عاجز بودند فقط کوشش عبثی برای حل کردن معضلات قرن بیست و یکم با نظریات قرن نوزدهم است. البته بخاطر جامع تر بودن و آماده تر بودن راه های قدیمی، آنها برای کارهای عملی جذابیت بیشتری دارند. همچنین در کشورهای نظیر آمریکا که از سنت طولانی احزاب سیاسی مدرن برخوردار هستند، اکثریت آینده نگر ها در درون احزاب موجود نظیر حزب دموکرات فعالیت میکنند، و هدف من در این نوشته قانع کردن آنها به ایجاد حزب مستقل نیست، هرچند بنظر من راه درست فعالیت برای آنها نیز ایجاد حزب جدید آینده نگر در آمریکا است که در گذشته بحث کرده ام [<http://www.ghandchi.com/404-FuturistPartyOrgEng.htm>].

اما در ارتباط با جامعه ایران تا آنجا که به تشکیلاتهای سکولار حزبی مربوط میشود، سنت های لیبرال ایران در نهایت توانستند یک تشکیلات ناسیونالیستی جبهه ملی درست کنند که بیشتر یک تشکیلات ناسیونالیست است تا لیبرال و واقعاً یک

تشکیلات حزبی که قادر به گرفتن قدرت باشد هم نیست. سنت های سوسیالیست ایران نیز که در گذشته بخش اصلی جنبش سکولار جمهوریخواهی ایران بوده اند بسیار پراکنده هستند و سوسیالیسم نیز نظیر لیبرالیسم، حزب مهمی در ایران ندارد. تنها حزب واقعاً بزرگ جبهه مشارکت است که حزبی اسلامی است. البته جریانات دیگری در جنبش دموکراتیک ایران نظیر اتحاد جمهوریخواهان هستند که مبنای شکل گیریشان در کشوری که جمهوری است، بی معنی است، و نظیر آن است که در یک کشور سلطنتی کسی برود و اتحاد سلطنت طلبان درست کند. البته میفهمم که برای بنیانگذاران آن جریان دفاع از جمهوری در زمانی که بخاطر استبداد جمهوری اسلامی خطر نابودی کل جمهوریت را میبینند معنا یافته است. اما به هر حال بنظر من این موضع چیزی نیست که برای تشکیلاتی که تازه خواهد خود را بسازد پایه پلاتفرم کافی باشد و بعد از چند سال هم نشان داده شده است که به جایی نمیرسد. در نتیجه به نظر من خیلی منطقی است که نیروهای سیاسی آینده نگر ایران بجای فعالیت در احزاب دیگر، از همین حالا حزب مستقل خود را بسازند.

حزب آینده نگر راه حل های مقتضی برای قرن بیست و یکم را ارائه میدهد. درست است که حزب آینده نگر ممکن است مانند یک نگرش 1400 ساله نظیر اسلام، درباره همه چیز فکر نکرده باشد، و برای همه چیز هم پاسخ نداشته باشد. برخی موضوعات را پس از تأسیس حزب دنبال پاسخشان خواهد رفت و برخی موضوعات را نیز شاید هیچ وقت نخواهد که پاسخ گوید و برخی دیگر را نیز به مرور زمان بیشتر و بیشتر تحقیق خواهد کرد ولی از همین حالا باندازه کافی برای مسائل مقابل روی جامعه ایران پاسخ دارد و بهتر است همین حالا در پی ساختن حزب بود.

واقعیت این است که حزب آینده نگر بایستی هدف خود را پایان دادن هر چه زودتر به جمهوری اسلامی بگذارد. برعکس تصور بسیاری از فعالین ایران، رژیم جمهوری اسلامی از سیستم امنیتی بسیار قوی تری تا رژیم سلطنتی گذشته برخوردار است و این سیستم توانسته است خیلی خوب از تضادهای مختلف درون جنبش سیاسی ایران از جمله تضاد خارج و داخل سود جوید. واقعیت این است که بسیاری از مسائلی که امروز در مقابل جنبش سیاسی ایران در خارج مطرح است روز بعد از سقوط جمهوری اسلامی در داخل مطرح خواهند شد. همانگونه که روز بعد از سقوط رضا شاه همان کادر های پراکنده که بعضاً در زندان یا در بیرون زندان در داخل یا در خارج بودند گرد هم آمدند و تشکیلاتهای سیاسی سالهای 1320-1332 جنبش را ساختند و برعکس زمان انقلاب 1357، تشکیلاتهای سیاسی مخفی چندان در زمان رضا شاه به دلائل متعدد ساخته نشده یا دوام نیاوردند. در نتیجه بسیار منطقی است که اولین گرد همایی های برای ایجاد حزب آینده نگر ایران در خارج از کشور برگزار شود هر چند معنایش عدم حضور جنبش داخل کشور نبوده و نخواهد بود.

همانطور که در اول مقاله نوشتم خود من آروز میکردهم تشکیلاتی در صحنه سیاسی ایران وجود میداشت که اقل بیانگر 80 درصد خواستهائی را که من در این عصر و زمان لازمه یک پلاتفرم سیاسی [http://www.ghandchi.com/348-HezbeAyandehnegar.htm] برای قرن بیست و یکم میدانم بیان میکرد و در آنصورت من از آن حزب پشتیبانی میکردم. حتی اگر حزبی بود که من پتانسیل دفاع از چنین پلاتفرمی را در دراز مدت میدیدم به آن رفته و سعی میکردم بمتابیه یک فراکسیون آنرا به این خواستها نزدیک کنم. متأسفانه چنین چیزی وجود خارجی ندارد. در نتیجه نه این که دوست دارم یک سازمان و حزب دیگری حتماً ساخته شود بلکه مجبورم از چنین طرحی دفاع کنم چرا که این خواستهایی قرن بیست و یکم را تنها برنامه مؤثر راهبردی در قرن بیست و یکم میبینم برای رسیدن به عدالت میبینم وگرنه تکرار راه حل های شکست خورده گذشته نتیجه این همه جان فشانی ها و کوششهای این سی سال گذشته را به هدر خواهند داد.

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

28 آبان 1385

November 19, 2006

سایت بحث حزب آینده نگر:
<http://www.geocities.com/futuristparty>

متن مرتبط به زبان انگلیسی:
<http://www.ghandchi.com/404-FuturistPartyOrgEng.htm>